

تهدیدات اتمی پاکستان بر منطقه و ایران

جواد جمالی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۲/۲۶

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۴/۱۷

صفحات مقاله: ۱۳۷-۱۷۱

چکیده

پاکستان به رغم اینکه زمان کوتاهی از هسته‌ای شدن را تجربه کرده به اندازه بسیاری از قدرت‌های با سابقه هسته‌ای، بحران آفرینی و تهدیدزایی اتمی داشته است. پیش رفتن تا آستانه رویارویی اتمی با هند و خطر دستیابی افراط‌گرایان به زرادخانه اتمی پاکستان، دست کم چالش‌های بروز یافته از سلاح هسته‌ای پاکستان است. سوابق بحران‌ساز پاکستان باعث شده است به محض افزایش حملات و بی‌ثباتی ناشی از تحرک طالبان و القاعده در مناطقی از این کشور، موضوع خطر ساز بودن سلاح هسته‌ای پاکستان مطرح شود. چرا؟ پژوهش حاضر در پی پاسخی واقع‌بینانه به سؤال مذکور است. از این رو با واکاوی توان هسته‌ای پاکستان، سابقه تروریسم هسته‌ای، توان‌سنجی تسلیحات اتمی پاکستان، تهدیدات زرادخانه اتمی این کشور، سازوکارهای کنترل و نظارت هسته‌ای و امکان‌سنجی «جهاد اتمی» طالبان و القاعده، به تشریح ماهیت تهدیدات سلاح اتمی پاکستان بر منطقه و ایران پرداخته می‌شود. بر این اساس، نوع تهدید اتمی پاکستان بر ایران و منطقه جدی‌ارزیابی می‌شود اما بزرگنمایی آمریکا در این زمینه غالباً زمینه‌ساز کنترل، مهار و نفوذ بیشتر در پاکستان است.

۱ - دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر مسائل شبه قاره.

کلید واژگان

دیپلماسی وحشت، تروریسم هسته‌ای، جهاد اتمی، دکترین خشونت، پاکستان اتمی

مقدمه

ظهور پاکستان به عنوان یک قدرت هسته‌ای پس از انفجار نخستین «بمب اتمی اسلامی» در ۱۹۹۷ در این کشور، واکنش‌های متفاوتی برانگیخت. فارغ از انگیزه‌های بین‌المللی و اصرار بر آزمایش اتمی، آنچه امروزه فراروی کشورهای منطقه قرار دارد، زرادخانه انباشته از سلاح اتمی و مراکز متعددی غنی‌سازی اورانیوم در پاکستان است. در واقع این نوع توانمندی که زمانی موجب «توازن قوا» و ایجاد بازدارندگی در شبه قاره شده بود، اکنون به عنصری تهدیدزا و وحشت‌آفرین تبدیل شده است. تغییر ماهیت منازعات و جنگ‌ها موجب بی‌اثر شدن ترتیبات منطقی و رایج بازدارندگی شده، و نوعی عدم قطعیت را بر محیط روابط بین‌المللی حاکم ساخته است. جنگ زمانی حربه قدرتمندان بود اما امروز به حربه ضعیفا تبدیل شده است. خشونت و نزاع مرگبار، نخستین گزینه گروه‌های تروریستی شده است؛ چرا که آن‌ها چیزی برای از دست دادن ندارند. افراط‌گرایان با به کارگیری نبرد غیرمتعارف تلاش می‌کنند از نقطه قوت غرب یعنی فناوری فرامدرن آن به عنوان نقطه ضعف بهره‌گیری کنند و با استفاده از آن به نقاط نفوذ پذیر غرب حمله نمایند.

افراط‌گرایان صحنه پاکستان می‌کوشند تا آنجا که ممکن است، حضور آمریکا و ناتو را در حوزه سرزمینی خود به یک جنگ خونین و غیرقابل پیش‌بینی تبدیل کنند. شیوه عملکرد آنان برگرداندن قدرت غرب علیه خود غرب است. طبق ادبیات راهبردی-امنیتی غرب و آمریکا، پاکستان به کانون تلاقی فناوری و ایدئولوژی تبدیل شده و عنصر افراط‌گرایی پاکستان را به وحشتناک‌ترین تهدید بالقوه جهانی تبدیل کرده است. شاید انفجار هسته‌ای مدنظر تروریست‌ها قرار

نداشته باشد، اما شک، تردید، هراس و آثار روانی منتج از این عمل بسیار مهلک‌تر از عواقب فیزیکی انفجار خواهد بود. بر این اساس، مهم‌ترین سؤال این پژوهش آن است که: ماهیت تهدیدات هسته‌ای پاکستان در سامانه امنیتی جنوب آسیا و مناطق پیرامونی چیست؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت: «تهدیدزا و خطرناک بودن توان اتمی پاکستان حاصل تداخل آن با ملاحظات سیاسی - راهبردی آمریکا از یکسو و احتمال تلفیق آن با ایدئولوژی جهادگر القاعده‌ای از سوی دیگر بوده و این امر موجب شده است سلاح اتمی پاکستان به صورت یک تهدید واقعی مطرح شود».

ابعاد و زوایای مختلف فرآیند تهدیدزای قدرت اتمی پاکستان در این پژوهش از طریق سنجش میزان توانایی اتمی پاکستان، مراکز حساس اتمی، سطوح تهدیدزای زرادخانه اتمی این کشور، سازوکار کنترل و نظارت هسته‌ای و احتمال جهاد اتمی القاعده و طالبان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد واکاوی قرار گرفته است.

چارچوب مفهومی: القاعده و دیپلماسی وحشت

در ادبیات امنیتی معاصر بسیاری از مفاهیم و مصادیق ارتباط معنایی ویژه‌ای با یکدیگر برقرار کرده‌اند به گونه‌ای که همواره به صورت دال و مدلول یکدیگر به کار می‌روند. افراط‌گرایی، رادیکالیسم مذهبی، خشونت، جهاد اتمی و فناوری از جمله مفاهیمی محسوب می‌شوند که در دنیای پس از ۱۱ سپتامبر از معنا و مفهوم محوری در گفتمان امنیتی غرب برخوردار شده است و در حال حاضر نیز هر گونه کاربرد آن در چارچوب «گفتمان غالب مبارزه با تروریسم» از قاعده کلی مذکور تبعیت می‌کند و معناشناسی آن مستلزم درک و شناخت عناصر آن گفتمان است.

تحول مفهومی امنیت در جهان پسا ۲۰۰۱ که آن را نه در فقدان تهدید بلکه در مدیریت و کنترل تهدیدات و خطرات جستجو می‌کند و از این رو به کانون

بحران‌ها و تهدیدات حمله‌ور می‌شود، موجب شده است عدم قطعیت و بلا تکلیفی، اسم رمز تحولات امنیتی از نگاه غربی‌ها معرفی شود. ماهیت متحول و متغیر پدیده‌های امنیتی و پیش‌بینی‌ناپذیری آن، موجب هراس غربی‌ها از خطرپذیری شده است. نیروهای نظامی و نخبگان سیاسی آمریکا بر مبنای منطق سیاسی و نظامی حرکت می‌کنند. لذا در برابر پدیده‌ها و رفتارهای متغیر و غیرقابل پیش‌بینی به شدت نگران هستند. امروزه هراس افکنی القاعده و طالبان به سبب تلاش آن‌ها جهت دسترسی به فناوری نابود کننده اتمی به این اضطراب و ترس در میان غربی‌ها دامن می‌زند. چراکه نفرت آمریکایی‌ها از وضعیت‌های کنترل‌ناپذیر و خطرناک را به سخره می‌گیرد. به نظر می‌رسد مفهوم «دیپلماسی وحشت» به عنوان مفهوم محوری تحلیل حاضر، توانایی تشریح فرآیند و ماهیت تهدیدات اتمی پاکستان را دارد و می‌تواند آن را واکاوی نماید.

مهم‌ترین عناصر «دیپلماسی وحشت» القاعده و طالبان، «دکترین خشونت»، «فناوری وحشت» و «ایدئولوژی جهادگر» است که برآیند آن را می‌توان به عنوان تعریف «دیپلماسی وحشت» القاعده‌ای در نظر گرفت. بر این اساس «دیپلماسی وحشت» عبارت است از: «استفاده یا تهدید به استفاده از فناوری کشتار جمعی علیه اهداف انسانی به وسیله یک گروه کوچک جهت دستیابی به مقاصد ایدئولوژیک»^۱. این نوع نبرد، که عمدتاً ماهیت جنگ روانی دارد، راهبرد ضعیفا علیه اقیانوس است. بر اساس رفتار تهدیدآمیز گروه‌هایی چون القاعده، دکترین خشونت سیاسی و ایدئولوژیک به طور تفکیک‌ناپذیری با تحول فناورانه سلاح‌ها پیوند خورده است. امروزه هر پیشرفت فناورانه به فاصله کوتاهی به دگرگونی کوچک یا بزرگ در شکل، محتوا و ویرانگری خشونت سیاسی می‌انجامد. اکنون القاعده در نبرد نامتقارن

۱ - اقتباس از تعریف «تروریسم» در: جان بیلیس و دیگران، استراتژی در جهان، معاصر، ترجمه کابک خیبری، تهران: ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۹۵.

خود با غرب و آمریکا از خصیصه هراس افکنی قدرت مخرب و بنیان برافکن سلاح‌های هسته‌ای بیش از خود آن بهره می‌گیرد. بر این مبنای تهدید کلامی و گفتاری اثرات روانی مخرب تری از تهدیدات عملی دارد. چراکه بازیگری عاقلانه و خردورزانه واحدهای سیاسی، ابعاد فاجعه بشری ناشی از منطق تخریب گسترده سلاح‌های هسته‌ای را درک می‌کند. علاوه بر این، هراس زمانی افزوده می‌شود که گروه‌های تروریستی تعلق جغرافیایی خاصی ندارند و چنانچه لازم شود در کاربرد سلاح هسته‌ای درنگ نخواهند کرد. چرا که از بی‌اثر شدن «قدرت بازدارندگی» در این صورت آگاهی دارند.

در ادبیات امنیتی کنونی، سلاح اتمی، فناوری وحشت است و وجود عنصر عدم قطعیت و بی‌اعتمادی در روابط دولت‌ها و ملت‌ها موجب هراس بیشتر از این فناوری شده است. در مجموع، مناقشه کنونی بر سر تهدیدات اتمی پاکستان از این امر ناشی می‌شود که دنیای غرب در برابر دامنه تهدیدات هسته‌ای و تروریستی القاعده در اضطراب و ناامنی به سر می‌برد و بر این باور است که چنانچه این سلاح در اختیار گروه‌های خشونت‌گرای غیردولتی قرار گیرد، قدرت مانور آن‌ها را افزایش خواهد داد.

مراکز و تأسیسات اتمی پاکستان

توان اتمی پاکستان را مجموعه‌ای از مراکز تحقیقاتی هسته‌ای، تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم و کلاهک‌های هسته‌ای این کشور تشکیل می‌دهد. به‌رغم فقدان شفافیت برنامه اتمی پاکستان که موجب غلبه ندانسته‌ها و ابهامات بر داده‌های قابل اتکا در این عرصه شده است، برخی از زوایای هسته‌ای شدن پاکستان وجود دارد که جلوه‌هایی از ماهیت و نحوه این فعالیت‌ها را بروز می‌دهد. برنامه هسته‌ای پاکستان، بر خلاف هند، با استفاده از اورانیوم بسیار غنی شده تغذیه می‌شود.

روند اتمی شدن پاکستان با فراز و فرود زیادی همراه بوده است. هدف مبحث حاضر تاریخ‌نگاری این فرآیند نیست. از این رو صرفاً به مراکز اتمی این

کشور اشاره خواهد شد.

پاکستان از امضای پیمان منع تکثیر سلاح‌های اتمی (NPT) خودداری ورزیده و پذیرش کنترل رژیم‌های نظارت هسته‌ای را منوط به پذیرش آن از سوی هند کرده است. بنابراین هیچ کدام از تأسیسات و آزمایشگاه‌های اتمی این کشور مقید به مقررات بازبینی تأسیسات اتمی از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیست.

سلاح‌های اتمی پاکستان غالباً به شکل اجزای قابل ترکیب شده نگهداری می‌گردد و این کشور می‌تواند این سلاح‌ها را به سرعت ترکیب نماید و برای حمل آن‌ها هواپیما و موشک بالستیک را نیز در اختیار دارد. برنامه تسلیحات هسته‌ای پاکستان تحت اداره ارتش این کشور است و به این منظور «اداره فرماندهی ملی»، که تشکیل آن در ماه فوریه ۲۰۰۰ اعلام شد، مستقیم تجهیزات هسته‌ای این کشور را زیر نظر دارد. اداره جدید فرماندهی ملی مسئول رهنامه هسته‌ای پاکستان و نیز توسعه و پژوهش طرح اتمی و کنترل و فرماندهی آن در زمان بروز جنگ است.

تخمین زدن اندازه و ترکیب زرادخانه هسته‌ای پاکستان امری دشوار است. یکی از موارد مبهم این است که پاکستان چه اندازه ماده اولیه برای تولید سلاح‌های اتمی در اختیار دارد. در مورد مقدار اورانیوم غنی شده و پلوتونیوم آماده برای به‌کارگیری در تسلیحات نظامی، تخمین‌های متفاوتی وجود دارد. پاکستان تا پایان ۲۰۰۸ در حدود دو هزار کیلوگرم اورانیوم و ۹۰ کیلوگرم پلوتونیوم تهیه کرده است. (Cordesman, 2001)

رهنامه هسته‌ای پاکستان همچون راهبردهای امنیتی ملی اغلب واحدهای سیاسی مبتنی بر دو ستون «ایجاد بازدارندگی در برابر تجاوز» و «دفاع از حاکمیت پاکستان» است. متن رسمی استراتژی سیاست خارجی پاکستان در آستانه ورود به هزار سوم، دغدغه امنیت را بزرگ‌ترین محرک و انگیزه هسته‌ای شدن پاکستان اعلام کرده است. بر این اساس، «در آستانه آزمایش‌های هند، بدیهی بود که در

فقدان یک چتر و حمایت هسته‌ای، پاکستان به تنهایی با هند هسته‌ای روبه‌رو شود. ضروری بود سیاست ابهام هسته‌ای کنار گذاشته شود و باید توانمندی هسته‌ای خود را نشان می‌داد و توازن راهبردی را به نفع صلح و ثبات در جنوب آسیا برقرار می‌کرد». (همشهری دیپلماتیک، ش ۱۷)

با توجه به میزان اورانیوم غنی‌شده و پلوتونیوم تولید شده توسط منابع پاکستانی، آمار متفاوتی از تعداد کلاهک‌های هسته‌ای این کشور ارائه شده است (ر.ک به: جدول شماره ۱ - ۱) که از ۳۰ تا بیش از ۱۰۰ کلاهک متغیر است. این سرهای جنگی^۱ به دو طریق و توسط دو نوع وسیله حمل و پرتاب می‌شود. هواپیمای C-130 و F16 تحت کنترل نیروی هوایی پاکستان و موشک‌های سطح به سطح کنترل شده توسط نیروی زمینی پاکستان، (ر.ک به: جدول شماره ۲ - ۲) روزآمدترین توانمندی پاکستان جهت استفاده احتمالی از سلاح هسته‌ای است.

آن گونه که در ادامه تشریح خواهد شد، ماهیت توانمندی هسته‌ای پاکستان با رهنامه هسته‌ای این کشور دچار تناقض شده است. بر اساس سیاست‌های راهبردی پاکستان، «امنیت‌زایی» و «دفاع از حاکمیت این کشور» مهم‌ترین دغدغه زمامداران این کشور بوده است. اما امروزه این توانمندی به نقطه ضعف و تهدید پاکستان تبدیل شده و خطر دستیابی افراط‌گرایان به این فناوری بیش از هر زمان دیگری وحشت‌آفرین شده است.

برخی مراکز اتمی پاکستان که هم‌اکنون نیز نقشی اساسی را در توان هسته‌ای این کشور ایفا می‌کند به اختصار اشاره می‌شود.

1 - Warheads

۱ - مؤسسه علوم و فناوری هسته‌ای پاکستان

برنامه‌های تحقیقاتی هسته‌ای پاکستان از سال ۱۹۶۵ با آغاز به کار رآکتور تحقیقاتی «SMW» در مؤسسه مذکور شروع شد. این مؤسسه مسئول فعالیت‌های پژوهشی و گسترش چرخه سوخت است که مواردی همچون: شیمی تجزیه، مواد هسته‌ای، متالوژی، توسعه و گسترش سوخت، کنترل ابزارسازی و محاسبات فیزیکی را دربرمی‌گیرد. (Dolley, 1998)

لابراتوارهای تحقیقاتی اورانیوم این مؤسسه، در اواسط دهه ۱۹۷۰ بر پروژه‌های تحقیقاتی شیمی و روش‌های کنترل کیفیت برای تولید گلوله‌های اکسید اورانیوم جهت استفاده به عنوان سوخت رآکتور تمرکز کردند. برخی از این مراکز عبارتند از:

رآکتور تحقیقاتی «PARR-1»: این رآکتور برای تولید سوخت بسیار غنی‌شده اورانیوم (۹ درصد غنی‌شده) طراحی و با همکاری آمریکا ساخته شد و در سال ۱۹۶۵ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. این رآکتور از «۵MW» به «۹MW» ارتقا یافت و در سال ۱۹۹۰ به مرکز تولید سوخت کم غنی‌شده اورانیوم (۲۰ درصد غنی‌شده) تبدیل شد. گمان می‌رود از این مرکز به طور مخفیانه جهت تولید «تریتینیوم» استفاده شده است که در سلاح‌های اتمی پیشرفته کاربرد دارد. (Ibid: 4-5)

رآکتور تحقیقاتی «PARR-2»: این رآکتور زنجیره‌ای از نوع حوضچه آب سبک است. این مرکز در اواخر سال ۱۹۸۹ با کمک «مؤسسه انرژی اتمی چین» طراحی و ساخته شد.

مرکز بازیافت: در سال ۱۹۷۸، فرانسه توافق‌نامه ساخت این مرکز را یک طرفه ملغی کرد. در این زمان پاکستان پس از دستیابی غیرقانونی به فناوری هسته‌ای فرانسه و بلژیک، مرکز بازیافت کوچکی به نام لابراتوارهای جدید «Newlabs» ساخت که در سال ۱۹۸۲ تکمیل شد.

رآکتور خوشاب: این رآکتور توانایی تولید ۵ تا ۱۰ کیلوگرم پلوتونیوم در سال را دارد و می‌تواند در ساخت سلاح‌های هسته‌ای به کار رود. احتمالاً این رآکتور برای تولید تریتینیوم نیز استفاده می‌شود. طبق گزارش ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۶ «مؤسسه مطالعات و امنیت بین‌المللی آمریکا»، پاکستان در سال ۲۰۰۰ رآکتور

جدیدی در مجاورت مرکز خوشاب بنا کرده است که به نظر می‌رسد توانایی تولید پلوتونیوم برای ساخت ۴۰ تا ۵۰ بمب هسته‌ای را دارد. (BBC.com)

۲- کمیسیون انرژی اتمی پاکستان (PAEC)

این سازمان که در اسلام‌آباد واقع شده است، با هدف تولید انرژی هسته‌ای جهت پاسخ‌گویی به نیازهای انرژی کشور فعالیت می‌کند. این کمیسیون در پی بهره‌گیری از فناوری هسته‌ای در زمینه‌های تولیدات کشاورزی، درمان‌های پزشکی و عرصه صنعت است. ریاست این سازمان از جولای ۱۹۶۷ به عبدالقدیرخان واگذار شد که مستقیماً از جانب ذوالفقار علی بوتو مسئولیت کنترل و هدایت کامل پروژه غنی‌سازی با اهداف نظامی را بر عهده داشت. از نتایج فعالیت کمیسیون انرژی، راه‌اندازی نیروگاه برق هسته‌ای در شهر کراچی در ۱۹۷۲ به کمک کانادا بود.

۳- مرکز تحقیقاتی کاهوتا

این مرکز محل استقرار آزمایشگاه‌های عبدالقدیرخان در زمینه تسلیحات هسته‌ای است. این مرکز به عنوان محل تولید ماده شکاف‌پذیر، فناوری غنی‌سازی و سانتریفوژ گاز برای تولید اورانیوم غنی شده استفاده می‌شود از این رو در نقش کانون تسلیح موشک‌های بالستیک پاکستان به کلاهک‌های هسته‌ای عمل می‌کند. این مرکز تحت نظارت آژانس انرژی اتمی نیست و در مورد امنیت و حفاظت آن تردید وجود دارد. مرکز کاهوتا در سال ۱۹۸۴ رسماً آغاز به کار کرد و در سال ۱۹۸۶ شروع به تولید اورانیوم بسیار غنی شده نمود. در اواخر دهه ۸۰ تولید سلاح‌های هسته‌ای پاکستان در این مرکز شروع شد. اگر مرکز کاهوتا با کل ظرفیت کار کند، توان تولید ۳ تا ۶ سلاح هسته‌ای دارد. به‌رغم فشارهای آمریکا، پاکستان توانسته است تاکنون بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده را تهیه کند. بمب‌های هسته‌ای پاکستان از اورانیوم غنی شده تهیه می‌شوند که عملیات سانتریفوژ آن در کاهوتا انجام می‌شود. (Defense News.com)

۴- نیروگاه‌های هسته‌ای چشمه ۱ و ۲

نیروگاه هسته‌ای چشمه ۱ - توسط چین در اواسط دهه ۱۹۹۰ در شمال غرب پاکستان احداث شده است. این نیروگاه ۳۰۰ مگاواتی هم اکنون با ۹۵ درصد توان اسمی فعال است.

عملیات احداث نیروگاه هسته‌ای چشمه ۲ - نیز از سال ۲۰۰۵ با توان ۳۰۰ مگاوات و با کمک فنی و مالی چین در حاشیه رود ایندوس، آغاز به کار کرد. این نیروگاه ۶۰۰ میلیون دلاری در سال ۲۰۱۰ مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. (Global Security.org)

از اواخر ۲۰۰۶ قرارداد پادمان نیروگاه‌های چشمه توسط پاکستان پذیرفته شد و این مرکز تحت نظارت آژانس و بین‌المللی انرژی هسته‌ای فعالیت می‌کند. علاوه بر مراکز و تأسیسات مذکور، مراکز زیادی مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای پاکستان مطرح‌اند که هر یک به تنهایی قدرت تهدیدزایی بالایی را ایجاد می‌کنند. نگاهی به توزیع جغرافیایی این مراکز نشان می‌دهد که اکثر آن‌ها در مجاورت ایالت بحران‌زده سرحد واقع شده‌اند. راکتور خوشاب، منابع اورانیوم «کابل خیل»، مرکز سوخت ترکیبی «کاندیان» (Kundian)، مرکز اکتشاف اورانیوم میانوالی، تأسیسات مونتاژ سلاح‌های هسته‌ای در «واه» (Wah)، مرکز غنی‌سازی اورانیوم «گلره شریف» (Golra Sharif)، مرکز غنی‌سازی اورانیوم «سینهاالا»، مرکز معدنی اورانیوم لاهور، تأسیسات آب سنگین مولتان، مرکز تبدیل هگزافلوراید به اورانیوم در دیره‌غازی‌خان، برخی از مهم‌ترین تأسیسات هسته‌ای پاکستان هستند که هر یک خطری بالقوه را تداعی می‌کنند.^۱

۱ - برای اطلاع بیشتر در مورد جزئیات مراکز مذکور، ر.ک به:

<http://www.glebalsecurity.org/wmd/pakistan/facility.htm>

جدول شماره ۱ - تخمین‌های مختلف از کلاهک‌های هسته‌ای پاکستان

ردیف	مرکز برآورد کننده	تعداد کلاهک‌های هسته‌ای
۱	مرکز اطلاعات دفاعی (CFDI) (۲۰۰۵)	۲۴ تا ۴۸ کلاهک مسلح شده به علاوه ۳۰ تا ۵۲ کلاهک ذخیره
۲	مرکز صلح بین‌المللی کارنگی (CEFIP) (۲۰۰۵)	ذخیره ۶۰ تا ۱۳۰ کلاهک هسته‌ای
۳	مرکز منازعات معاصر (CFCC) (۲۰۰۶)	ذخیره ۶۵ تا ۱۱۰ کلاهک هسته‌ای
۴	مؤسسه تحقیقات بین‌المللی صلح استکهلم (SIPRI) (۲۰۰۶)	۶۰ کلاهک هسته‌ای
۵	شورای دفاعی منابع طبیعی (NRDC) (۲۰۰۵)	ذخیره ۵۵ تا ۹۰ کلاهک هسته‌ای، به علاوه ۴۰ تا ۵۰ کلاهک مسلح شده
۶	پیتر لوی (P.Levy) (پایان ۲۰۰۶)	ذخیره ۷۰ تا ۱۱۵ کلاهک هسته‌ای

منبع: <http://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/nbm/nuclear-black-market-dossier-p>

جدول شماره ۲ - انواع موشک‌های قادر به حمل کلاهک‌های هسته‌ای پاکستان

موشک‌ها	نام‌های دیگر	نوع سوخت	برد (کیلومتر)	میزان خطای اصابت به هدف (به متر)	وزن (کیلوگرم)	قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای	قابلیت بهره برداری
هاتف ۱	-	جامد	۷۰	-	۴۵۰-۵۰۰	غیر محتمل	از ۱۹۹۲
هاتف A۱	-	جامد	۱۰۰	-	۴۵۰-۵۰۰	غیر محتمل	از ۲۰۰۴
هاتف ۲	ابدالی	جامد	۱۸۰-۲۰۰	۱۵۰	۴۵۰-۵۰۰	دارد	دارد
هاتف ۳	غزنوی	جامد	۲۹۰	۲۵۰	۵۰۰-۸۰۰	احتمالاً دارد	از فوریه ۲۰۰۴
هاتف ۴	شاهین ۱	جامد	۶۵۰-۷۵۰	۲۰۰	۵۰۰-۸۵۰	احتمالاً دارد	از مارس ۲۰۰۳
هاتف ۵	غوری ۱ (نودونگ)	مایع	۱۳۰۰	۲۵۰۰	۱۰۰۰-۱۲۰۰	دارد* ۱	از ژانویه ۲۰۰۳
هاتف A۵	غوری ۲	مایع	۱۸۰۰-۲۰۰۰	۲۵۰۰	۶۸۰-۷۰۰	دارد	ندارد
هاتف ۶	شاهین ۲	جامد	۲۲۰۰-۲۵۰۰	۳۵۰	۷۰۰-۱۲۳۰	دارد	ندارد
هاتف ۷	بابر	جامد	۵۰۰	۲۰-۵۰	۴۵۰	احتمالاً دارد	ندارد

منبع: <http://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/nbm/nuclear-black-market-dossier-p>

۱ - هاتف ۵، تنها موشک اختصاصی پاکستان است که به منظور حمل کلاهک هسته‌ای طراحی و ساخته شده است.

سابقه تروریسم هسته‌ای

به‌رغم تاریخ کوتاه پیدایش سلاح‌های هسته‌ای و مراکز تهیه و تولید این قدرت ویرانگر و مرگبار، این تأسیسات از همان ابتدا هدف نیت خشونت‌طلبانه گروه‌های تروریستی قرار داشته است. بدون تردید هر اندازه میزان اهمیت و قدرت تخریب فیزیکی و روانی حریف به کمک سلاح هسته‌ای افزون‌تر شد، مشتاقان دستیابی به آن نیز افزوده شدند. تا جایی که می‌توان تأمین امنیت مراکز هسته‌ای را یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها قلمداد کرد. امروزه تروریسم هسته‌ای و خرابکاری در مرکز اتمی کشورها مخرب‌ترین حرکت تروریستی است که با بقای نسل بشر ارتباط می‌یابد.

۶۸ کشور، کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای را در مارس ۱۹۸۰ امضا کردند. انگیزه اصلی و عامل مهم ترغیب کشورها به این اقدام، سوابق خشونت‌بار رخداد‌های مرتبط با مسائل هسته‌ای بود؛ بیش از ۱۵۰ حادثه از قبیل انفجار در محدوده تأسیسات هسته‌ای، تلاش برای نفوذ، ربایش و قتل فیزیک‌دانان هسته‌ای، سرقت و قاچاق انواع مواد قابل شکافت هسته‌ای موجب باور صاحبان قدرت اتمی به چاره‌اندیشی در این مورد شد.

در ۱۹۶۱ گروهی از ژنرال‌های راست‌گرای فرانسوی که از سیاست‌های دوگل ناراضی بودند، قصد داشتند با دستیابی به یک بمب هسته‌ای در سایت آزمایش ساها‌را (Sahara) به پاریس اولتیماتوم سیاسی بدهند. (فدروف، ۱۳۸۵: ۵۲) گرچه این طرح ناکام ماند، اما هشدار بزرگی بود. در سال ۱۹۷۳ یک گروه تروریستی، کنترل یک رآکتور هسته‌ای در دست ساخت در آتوچا (Atucha) در آرژانتین را به دست گرفت.

در سال ۱۹۷۵ نیز دو انفجار ناشی از خرابکاری در مجاورت دو نیروگاه هسته‌ای در فرانسه رخ داد. در سال ۱۹۹۵ نیز در نیروگاه برق هسته‌ای ایگنالینای روسیه عملیاتی مشابه رخ داد که در آن گروهی از تروریست‌ها برای انتقام اعدام

یکی از اعضایشان سعی کردند از طریق عامل نفوذی در کارکنان تعمیرات نیروگاه، کدهای کامپیوتر کنترل کننده چرخه سوخت نیروگاه را تغییر دهند که با هوشیاری پرسنل حفاظت نیروگاه ناکام ماندند. (همان: ۵۶-۵۵)

گرچه از تمامی مصادیق مذکور هیچ‌گاه تروریسم هسته‌ای تحقق نیافت و صرفاً در مرحله نخستین عملیات متوقف شد اما تکرار این تلاش‌ها و تبدیل شدن آن به فرایندی دامنه‌دار، نشان می‌دهد قدرت مخرب هسته‌ای همواره یکی از اهداف تروریست‌ها بوده و احتمالاً هدف خواهد بود. سابقه تلاش برای خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای پاکستان نیز در این چارچوب قابل طرح و ارزیابی است. نخستین حمله به انبار موشک‌های هسته‌ای پاکستان در یکم نوامبر ۲۰۰۷ و دومین حمله در ۱۰ دسامبر ۲۰۰۷ توسط عاملان انتحاری صورت گرفت که ناکام ماند. سومین حمله که در ۲۰ آگوست ۲۰۰۸ رخ داد و خطرناک‌ترین حمله به مراکز اتمی پاکستان به شمار می‌رود، توسط چند بمب‌گذار انجام شد. (Fas.org: 9) به‌رغم ناکامی تمام حملات و تلاش‌های بی‌ثمر، نمی‌توان آسیب‌پذیری مراکز مذکور را نادیده گرفت. پس از حمله القاعده و طالبان به ستاد فرماندهی ارتش پاکستان در اکتبر ۲۰۰۹، دیپلماسی وحشت القاعده جدی‌تر شده است.

سازوکار کنترل و نظارت هسته‌ای در پاکستان

نظام فرماندهی و کنترل دولت پاکستان در مورد سلاح‌های هسته‌ای مبتنی بر «C4I2SR»^۱ است. اجزا و عناصر این نظام عبارتند از: فرماندهی، کنترل، ارتباطات، کامپیوتر، اطلاعات، داده‌ها، نظارت و شناسایی. تمامی این عناصر در «سازمان فرماندهی راهبردی اسلام‌آباد» گردهم آمده‌اند

1 - C4I2SR: Command, Control, Communication, Computers, Intelligence, Information, Surveillance and Reconnaissance

و مدیریت می‌شوند. این سازوکار سه ساختار جداگانه را دربرمی‌گیرد. این ساختارها عبارتند از: «مرکز فرماندهی ملی»^۱، اداره طرح‌های راهبردی^۲ و فرماندهی نیروهای راهبردی^۳. (Kerr, 2009: 8)

«مرکز فرماندهی ملی»، بر همه مدیریت‌ها و کارکرد تمامی سازمان‌های پاکستانی درگیر با تحقیقات، توسعه و کاربرد تسلیحات هسته‌ای و سرویس‌های نظامی که اهداف راهبردی را تعقیب می‌کند، نظارت و کنترل دارد. رئیس جمهور پاکستان، فرماندهی این مرکز را بر عهده دارد و نخست وزیر نیز معاون وی به شمار می‌رود. سایر اعضای فرماندهی ملی عبارت‌اند از: فرماندهی ستاد مشترک ارتش، وزیر کشور، وزیر دفاع، وزیر اقتصاد و مالی، دبیر کل اداره طرح‌های راهبردی، فرماندهی نیروی دریایی، فرماندهی نیروی هوایی و فرمانده نیروی زمینی ارتش پاکستان.

اتخاذ تصمیم نهایی در مورد پرتاب تسلیحات هسته‌ای نیازمند تفاهم و توافق در مرکز فرماندهی ملی است. با وجود این، فرمان نهایی در این زمینه، در اختیار رئیس جمهور به عنوان رئیس این مجموعه است. مرکز فرماندهی ملی دارای دو کمیته است که به طور مستقیم به رئیس جمهور گزارش می‌دهند. این کمیته‌ها عبارت‌اند از:

۱- کمیته کنترل اجرایی^۴: کار ویژه این کمیته شامل استقرار یک نظام فرماندهی و کنترل در مورد استفاده از تسلیحات هسته‌ای است.

-
- 1 - Notional Command Authority
 - 2 - Strategic Plans Division
 - 3 - Strategic Forces Command
 - 4 - Employment Control Committee

۲- کمیته کنترل توسعه^۱: این کمیته در پی کنترل اداری، مالی و فنی بر تمامی سازمان‌های راهبردی از جمله آزمایشگاه‌های ملی و سازمان‌های تحقیق و توسعه مرتبط با مدرنیزه کردن و پیشرفت تسلیحات هسته‌ای است. (Ibid: 7-8)

«اداره طرح‌های راهبردی»^۲، یکی دیگر از پایه‌های نظام فرماندهی راهبردی پاکستان است. این مرکز توسط دبیر کل رهبری می‌شود که عمدتاً از ارتش انتخاب می‌گردد و نقش مشاور مرکز فرماندهی ملی را ایفا می‌کند. این اداره، رهنامه، راهبرد و سیاست هسته‌ای اسلام‌آباد را تنظیم می‌کند و طرح‌های عملیاتی در سطوح جابه‌جایی، کاربرد و عدم کاربرد سلاح‌های هسته‌ای را فرموله‌بندی می‌نماید. مرکز مذکور همچنین در زمینه طرح‌های عملیاتی با فرماندهان نیروهای راهبردی همکاری می‌کند. در مجموع، سازوکار کنترل و نظارت هسته‌ای پاکستان چند لایه و سخت‌گیرانه است. نظامی در این سازوکار به کار رفته است که هرگونه شلیک سلاح هسته‌ای نیازمند تأیید رمز پرتاب توسط ۲ یا سه نفر است که در سلسله مراتب فرماندهی قرار دارند.

تهدیدات زرادخانه اتمی پاکستان

به رغم تلاش هیأت حاکمه پاکستان در زمینه کنترل و نظارت بر مراکز و تأسیسات هسته‌ای این کشور، نمی‌توان از تهدیدات و خطرات ذاتی و جانبی این سلاح مخرب غفلت ورزید. تجربه صنعت هسته‌ای دنیا نشان داده است که این عوارض سیاسی - امنیتی در هر کشوری ممکن است رخ دهد. اما حساسیت این مسئله در پاکستان به‌طور جدی‌تری جلوه می‌کند که عمدتاً ناشی از فشار بازیگران حاضر در صحنه است.

1 - Development Control Committee

2 - Strategic Plans Division

درخصوص بحث حاضر پاسخ به سؤالات ذیل ضروری است. ماهیت خطرات اتمی پاکستان چیست؟ زمینه‌ها و اهداف بازیگران صحنه پاکستان بویژه آمریکا و دولت پاکستان از طرح مخاطره هسته‌ای چیست؟ طرح‌ها و واکنش‌های ارائه شده جهت کنترل و دفع تهدیدات کدام‌اند؟ روند پاسخ به این پرسش‌ها نشان خواهد داد که چه تهدیداتی از طرف زرادخانه اتمی پاکستان متوجه منطقه و دنیاست. با توجه به این نکات، می‌توان گفت زرادخانه اتمی پاکستان به اشکال ذیل تهدیدزا تلقی می‌شود:

۱ - انفجار بمب هسته‌ای

انفجار بمب اتمی مستلزم دسترسی تروریست‌ها به مواد منفجره هسته‌ای است که یا دست‌ساز هستند یا از طرف شخصی ثابت و با واسطه به دست می‌آیند. چون امکانات ساخت بمب هیدروژنی پر قدرت از سوی افراط‌گرایان غیرمحمتمل است استفاده آن‌ها از بمب‌های هسته‌ای کوچک، منطقی به نظر می‌رسد. این بمب‌ها در صورت انفجار در یک منطقه شهری، تا مساحت ۱/۵ تا ۲ کیلومتر بیش از ۱۰۰ هزار قربانی می‌گیرند. عواقب آن برای بازماندگان نیز غیرقابل وصف خواهد بود. این نوع بمب‌های هسته‌ای قدرت انفجاری معادل ۱۰ تا ۲۰ تن تی.ان.تی دارند. (فدروف، ۵۴) چون دسترسی تروریست‌ها به پلوتونیوم و اورانیوم تسلیحاتی به سبب تدابیر شدید امنیتی، عملاً ناممکن است، می‌توان انتظار داشت این گروه‌ها برای ساخت بمب‌های دست‌ساز سعی در تهیه پلوتونیوم رآکتوری کنند.

گرچه در نظام کنترل و نگهداری کلاهک‌های هسته‌ای پاکستان معمولاً سر جنگی از موشک‌ها جدا نگهداری می‌شود، اما این تهدید نیز همواره وجود دارد که افراد غیرمسئول بویژه افراد نفوذی افراط‌گرایان به راحتی می‌توانند، ماده اتمی را به جای دیگر انتقال دهند. سرقت مواد هسته‌ای رادیواکتیو، حمله به مراکز

غنی‌سازی اورانیوم یا ذخایر کلاهک‌های هسته‌ای پاکستان همواره دغدغه عمده امنیتی بوده است. مقاطع مختلف تاریخ پاکستان که بحران‌های مهلکی را سپری کرده است، تجارب متعددی را به نمایش گذاشته است. همزمان با ترور بوتو، زمان حمله آمریکا به افغانستان و تغییر سیاست مشرف در ۲۰۰۱، بروز بحران کارگیل در ۱۹۹۹، منازعه سال ۲۰۰۲ هند و پاکستان در خط کنترل، طرح مسائل مربوط به شبکه هسته‌ای عبدالقدیرخان و اخیراً حمله طالبان به شهر بونر در نزدیکی اسلام‌آباد، تهدیدات هسته‌ای پاکستان برجسته‌تر شده بود. در زمان حمله آمریکا به افغانستان در ۲۰۰۱ مشرف از ترس حمله به پاکستان، زرادخانه هسته‌ای این کشور را دست کم به ۶ نقطه جدید سری انتقال داد.

۲- خرابکاری در نیروگاه‌ها و مراکز هسته‌ای

تدابیر امنیتی کنونی برای حفاظت از تأسیسات هسته‌ای در مقابل اعمال تروریستی غیرمعمول کارساز نیستند. عملیات خرابکاری نیازی به دانش فنی هسته‌ای ندارد. صرفاً آموزش‌های متعارف نظامی در این زمینه کفایت می‌کند. تلاش برای ایجاد انفجار در مراکز اتمی چنانچه موفقیت‌آمیز باشد، خطرات تشعشعاتی وحشتناکی در پی دارد. تصرف نیروگاه‌های برق هسته‌ای به قصد انفجار رآکتورها یا نفوذ در ذخایر و اماکن نگهداری کلاهک‌های هسته‌ای و ایجاد انفجار عمدی علاوه بر بروز فاجعه هسته‌ای موجب آلودگی منطقه با مواد رادیو اکتیو می‌شود. خرابکاری هسته‌ای موجب آلودگی هوا و منابع آبی با مواد رادیو اکتیو می‌شود که می‌تواند خسارات جانی و فجایع زیست محیطی جبران‌ناپذیری را ایجاد کند. حملات خرابکارانه به مراکز هسته‌های خوشاب، کاهوتا، چشمه و کراچی، همواره یک از دغدغه‌های اصلی در مورد خطرات هسته‌ای پاکستان بوده است.

۳- شبکه‌های تکثیر هسته‌ای در پاکستان

تا زمان فروپاشی شبکه عبدالقدیرخان در پاکستان، این شبکه قاچاق هسته‌ای یکی از منابع اصلی نقض قوانین عدم تکثیر هسته‌ای بوده است. این شبکه دو اقدام اساسی

در پاکستان انجام داد. هسته‌ای کردن پاکستان به روش‌های مخفی و و کمک‌های هسته‌ای دور از کنترل به برخی کشورهای دیگر در زمره این اقدامات است. القاعده نیز بارها تلاش کرده است تا از شبکه خان کمک‌های فنی و تکنیکی هسته‌ای جذب کند. در دوره زمامداری بوش، جرج تنت، رئیس سیا، مدعی شده بود طبق اطلاعات موثق رسیده از یک سرویس اطلاعاتی به آمریکا، بن لادن در سال ۱۹۹۸ یک مأمور مخفی به منظور ارتباط‌گیری با شبکه عبدالقدیرخان به پاکستان فرستاد. همچنین براساس گزارش کمیسیون اطلاعاتی کنترل تسلیحات کشتار جمعی ایالات متحده در سال ۲۰۰۵، القاعده ضمن ارتباط با بعضی از دانشمندان هسته‌ای پاکستان که اقدام به توسعه و ارتقای تجهیزات سلاح هسته‌ای کرده بودند، به منظور دسترسی به اورانیوم جهت ایجاد یک انفجار هسته‌ای، تلاش کرده است. (Fas.org)

در حال حاضر نیز ترس از این است که سازمان‌ها و دولت‌های تروریستی، مواد هسته‌ای یا متخصصان مرتبط به سلاح‌های اتمی را از پاکستان به دست آورند و در جهت اهداف ضدآمریکایی به کار برند.

۴- نفوذ عناصر افراطی در مراکز هسته‌ای و امنیتی

عامل انسانی عمدتاً ضعیف‌ترین حلقه زنجیره سامانه‌های امنیتی تأسیسات هسته‌ای است. حضور عده زیادی از متخصصان و کارکنان پشتیبانی در تأسیسات هسته‌ای موجب افزایش آسیب‌پذیری سامانه‌های حفاظتی آن‌ها شده است. حضور افراد مختلف با حالات و گرایش‌های متنوع و متفاوت موجب می‌شود آن‌ها به راحتی با سامانه‌های امنیتی و نقاط ضعف آن‌ها آشنایی کامل پیدا کنند که موجبات دسترسی غیرمجاز به این مراکز را فراهم می‌کند. حتی ممکن است تسلیحات هسته‌ای به این دلایل مفقود شود و خطرات جدی ایجاد کند. شرایط کنونی تحولات پاکستان نشان می‌دهد که این وضعیت در پاکستان جدی‌تر است. توجه به برخی

جزئیات حملات انتحاری در پاکستان حاکی از دسترسی افراط‌گرایان به اطلاعات سری و مراکز امنیتی این کشور است. حمله انتحاری به خودروی حامل افسران «ISI» در راولپندی در سال ۲۰۰۸، نفوذ تروریست‌ها به حلقه امنیتی هتل ماریوت و انفجار کامیون پر از مواد منفجره در ورودی هتل و حمله انتحاری به سازمان تحقیقات مرکزی پاکستان (F.I.A)^۱ در جولای ۲۰۰۸ بیانگر اطلاع تروریست‌ها از زمان ترورها، ماهیت اهداف و شخصیت‌های حاضر در صحنه و هماهنگی در جابه‌جایی و انتقال مواد منفجره با برخی نیروهای امنیتی است.

۵- حملات انتحاری علیه تأسیسات هسته‌ای

حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از تهدید بالقوه دیگری پرده برداشت که به سهم خود بسیار مخرب و کنترل‌ناپذیر است و آن حمله علیه نیروگاه‌های هسته‌ای با حملات انتحاری است. گرچه نیروگاه‌ها و مراکز اتمی در مقابل خطرات ناشی از سقوط اشیاء پرنده و هواپیماهای شخصی حفاظت و تقویت می‌شوند، اما هیچ‌گونه اقدامی برای مقابله با هواپیماهای نظامی پیش‌بینی نشده است. به‌رغم اینکه معمولاً نیروگاه‌های هسته‌ای خارج از محدوده دالان‌های پرواز و تردد هواپیماهای نظامی و غیرنظامی ساخته می‌شوند، اما برای مقابله با یک حمله عمدی تدابیر جدی دیده نشده است. هواپیمایی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در پنسیلوانیا سقوط کرد قرار بود بر یک نیروگاه هسته‌ای هدایت شود تا موجب فاجعه‌ای شبیه چرنوبیل گردد. (کورمونت، ۱۳۸۵: ۳۰۴)

۱ - این حمله انتحاری که با حدود ۶۰ کیلوگرم T.N.T در لاهور انجام شد، «بزرگ‌ترین انفجار در تاریخ لاهور» نامیده شد. در تحقیقات بعدی مشخص شد که طبقه سوم ساختمان تخریب شده در اختیار گروه ویژه تحقیقات انفجارهای سراسر کشور بوده است. این حمله در پی ضربه زدن به گروهی امنیتی بود که می‌کوشید شبکه بمب‌گذاری‌های انتحاری را کشف و متلاشی کند. (منبع: <http://www.abna.ir>) ۸۷/۴/۶

در مورد تأسیسات هسته‌ای پاکستان نیز ربودن یک فروند هواپیما و استفاده از آن به صورت یک موشک و کوبیدن به یک رآکتور هسته‌ای بیش از مواردی چون چمدان هسته‌ای یا استفاده از پرتاب‌گرهای موشک بالستیک متحمل است. در این وضعیت منبع اصلی قدرت نظامی و بازدارندگی پاکستان به بزرگ‌ترین تهدید منطقه و نقطه ضعف آن کشور تبدیل شده است.

۶- هرج و مرج سیاسی ناشی از سقوط دولت مرکزی:

به باور استراتژیست‌های آمریکایی بدترین تصور و سناریو در مورد تهدیدات هسته‌ای پاکستان غلبه افراط‌گرایان بر دولت مرکزی، و به دست گرفتن قدرت آن است. بر این اساس القاعده و طالبان پس از ساقط کردن دولت مرکزی می‌توانند کنترل هسته‌ای این کشور را در دست گیرند. تأکید آمریکا بر وخامت اوضاع بدین معناست که دولت پاکستان دچار تشتت و ضعف فرماندهی می‌شود و این امر موجب می‌گردد دولت کنترل مؤثر و کافی بر زرادخانه هسته‌ای‌اش نداشته باشد و تجهیزات هسته‌ای ربوده شود.

در حال حاضر حمله انتحاری قوی‌ترین سلاح القاعده و طالبان در پاکستان است. چنانچه این گروه موفق شود به مقدار اندکی اورانیوم غنی شده یا پلوتونیوم دسترسی یابد و از آن در حملات انتحاری بهره گیرد باید منتظر فجایع انسانی در پاکستان بود. مقطعی و هدف‌مند بودن تشدید تبلیغات در مورد احتمال دستیابی القاعده به سلاح هسته‌ای پاکستان در سطح بازیگران صحنه از جمله پاکستان و آمریکا از وجود اهداف و انگیزه‌های پنهانی در این سناریوسازی‌ها حکایت دارد که از تهدید ذاتی سلاح‌های اتمی پاکستان، استفاده سیاسی می‌کند.

سوابق سیاسی - امنیتی پاکستان مملو از تلاش این کشور جهت ایفای نقش جهانی با استفاده از توانمندی‌های محلی - منطقه‌ای خود بوده است. بر این اساس برخی بر این باورند موضوع فقدان امنیت تأسیسات هسته‌ای بیشتر

فضاسازی روانی پاکستان است تا یک واقعیت. (IRNA.ir) پاکستان از این طریق به آمریکا پیام می‌دهد که امنیت منطقه به بازی پاکستان بستگی دارد و آمریکا باید ملاحظات مالی - اقتصادی و سیاسی آن کشور را مد نظر داشته باشد. در این شرایط پاکستان در صورتی می‌تواند متحد وفادار آمریکا باقی بماند که آن کشور نیز پاکستان را به عنوان بخشی از راه حل و نه معضل و مشکل منطقه‌ای به رسمیت بشناسد.

مفهوم کلیدی دیگری که در رفتارشناسی دولت پاکستان در مسئله تهدیدات هسته‌ای مطرح شده، (همان) تلاش آن کشور در جهت ایجاد «موازنه هوشمند» در مقابل آمریکاست. بر این اساس پاکستان با استفاده از طالبان هراسی و مسئله امنیت تأسیسات هسته‌ای به گونه‌ای غیرمستقیم، قدرت دولت برتر را به چالش می‌کشد و از این طریق با خشی کردن مقاصد، به تأخیر انداختن اجرا یا اتمام برنامه‌ها، افزایش هزینه‌ها و تحلیل بردن توان، به مهار قدرت برتر آمریکا می‌پردازد. در واقع پاکستان از تأسیسات هسته‌ای‌اش به مثابه ابزاری اقتصادی و سیاسی در چانه‌زنی‌های مختلف در مواجهه با آمریکا و دیگر کشورهای غربی استفاده مفید می‌برد.

امریکا بر خلاف پاکستان با اهداف چند بعدی و پیچیده‌تری مسئله امنیت هسته‌ای پاکستان را مطرح می‌کند. در واقع هراس آمریکا از سلاح هسته‌ای پاکستان بیشتر تابعی از خطرات ناشی از تقویت کانون‌های ضدآمریکایی در منطقه بویژه در پاکستان است. آمریکا به شدت از این مسئله نگران است که بخش‌هایی از بیرون ارتش و طیف بنیادگرای ارتش به نوعی کودتای بنیادگرایانه انجام دهند و یک دولت القاعده‌ای مسلح اتمی سرکار بیاید. در این صورت فاجعه‌ای برای آمریکا رخ خواهد داد.

عدم ثبات سیاسی حکومت‌های موجود پاکستان و ضعف درونی ساختار قدرت، احتمال روی کار آمدن افراط‌گرایان را از راه‌های خشونت‌آمیز بسیار بالا می‌برد. «طالبان بعد از روی کار آمدن بیش از هر چیزی به بقا خواهند اندیشید، در

صورت تسلط آن‌ها بر پاکستان این گروه از تمامی امکانات و ظرفیت‌های این کشور استفاده خواهد کرد تا نفوذ و قدرت خود را در جهان بر پایه ایدئولوژی خاص خود گسترش دهد». (عیدی‌پور، پاکستان)

توان هسته‌ای پاکستان در صورت کنترل طالبان، می‌تواند پشتوانه‌ای برای اعمال فشار بیشتر به کشورهای بی‌بازرسی باشد که با این گروه دارای تضاد منافع هستند. در بدترین حالت می‌توان جهانی را تصور کرد که طالبان و القاعده با در دست داشتن سلاح هسته‌ای هر جا که بخواهد لشکرکشی کند. در این شرایط، هدف، استفاده کردن از سلاح اتمی نخواهد بود، بلکه قدرت مانور طالبان به اتکای این پشتوانه ویرانگر خواهد بود. به باور استراتژیست‌های آمریکا نقش و تعمیق افراط‌گرایی در جنوب آسیا در بلند مدت مخاطره‌ساز خواهد بود. طبق مباحث ژئوپلیتیک، اقیانوس هند و جنوب آسیا در حال تبدیل شدن به هارتلند آسیاست. چنین اهمیت راهبردی‌ای نمی‌تواند با توانمندی هسته‌ای که خارج از نظارت و کنترل مستقیم آمریکا باشد، سازگاری پیدا کند. بر این اساس کنترل برنامه هسته‌ای هند از طریق پیمان هسته‌ای ۱۲۳ و زرادخانه پاکستان از طریق حضور مستقیم نظامی و تحت عنوان «امنیت هسته‌ای» صورت خواهد گرفت. هدف واقعی این مداخلات حفظ برتری هسته‌ای رژیم صهیونیستی در خاورمیانه است. به نظر می‌رسد کنترل فناوری هسته‌ای پاکستان توسط ناتو از جمله مقاصد آمریکا، هند و اسرائیل از ایجاد شانتاژ اطلاعاتی در مورد تهدیدات هسته‌ای پاکستان است. بر این اساس در کوتاه مدت فشارهای پیدا و پنهان بر پاکستان ادامه خواهد یافت؛ چرا که زمامداران آمریکا از تجربیات گذشته آموخته‌اند که نمی‌توان به توانایی‌های یک رهبر غیرنظامی در کنترل ارتش و حفظ تسلیحات هسته‌ای امیدوار بود.

آنچه به عنوان خطرات و تهدیدات قدرت اتمی پاکستان مطرح می‌شود، موجب برانگیخته شدن واکنش‌ها و پاسخ‌های متفاوت بر آن شده است. در ژوئن ۱۹۹۱، ۶

نفر اسرائیلی در سرینگر کشمیر توسط سرویس امنیتی پاکستان ربوده شدند. این افراد از طرف دولت پاکستان متهم شدند که با همکاری هند مشغول برنامه‌ریزی جهت تخریب رآکتور اتمی کاهوتا بوده‌اند که تأسیسات مرکزی برنامه اتمی پاکستان است. بحران به حدی پیش رفت که نواز شریف نخست‌وزیر وقت پاکستان تهدید کرد چنانچه به این تأسیسات حمله شود، وارد جنگ خواهد شد. (ووگن، ۱۳۷۵: ۱۱۸) در آن زمان، با توجه به روابط بسیار نزدیک، «موساد» و سرویس امنیتی هند این حملات بسیار جدی به نظر می‌رسید. از ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی طرح‌ها و سناریوهای مختلفی جهت کنترل زرادخانه اتمی پاکستان ارائه شده است که در ادامه به اختصار بیان می‌شود.

۱- طرح ایجاد کمیسیون مشترک پاکستانی - آمریکایی

سابقه این طرح به اوایل سال دو هزار میلادی و دوره ریاست جمهوری کلینتون برمی‌گردد. طبق این طرح کمیسیون فنی - تخصصی و امنیتی مشترکی متشکل از دانشمندان برجسته آمریکا و پاکستان تشکیل می‌شد که هدف آن کمک به مقامات پاکستانی در ایجاد کدهای مخفی فرماندهی و کنترل جهت تسلیحات هسته‌ای خود بود و امکان دسترسی دیگران را از بین می‌برد. آمریکا براساس این طرح توانست به اطلاعات جامعی درباره سامانه فرماندهی و کنترل پاکستان دست یابد و برخی تکنسین‌های آمریکایی نیز توانستند به تسلیحات هسته‌ای این کشور دسترسی مستقیم پیدا کنند.

۲- طرح حفاظت سخت‌افزاری از تأسیسات هسته‌ای پاکستان

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در دولت بوش، هراس از تهدیدات هسته‌ای پاکستان به شدت افزایش یافت. جرج بوش در این زمان با استفاده از پیشنهاد کمک نظامی سه میلیارد دلاری به اسلام‌آباد و همچنین جنگنده‌های اف-۱۶ و دیگر سخت‌افزار نظامی در صدد برآمد پاکستان را به تضمین ایمنی

زرادخانه هسته‌ای خود تشویق کند. همچنین در این دوره ارتش پاکستان تحت فشار آمریکا، جابه‌جایی مخفیانه قطعات تسلیحات هسته‌ای خود را به شش محل مخفی جدید آغاز کرد.

آمریکا از زمان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ حدود ۱۰۰ میلیون دلار جهت تقویت حفاظت زرادخانه پاکستان به آن کشور اختصاص داده است. اغلب این مبلغ در اعزام پرسنل هسته‌ای پاکستان به آمریکا جهت آموزش و در امور سخت‌افزاری از جمله نظام‌های شناسایی و امنیتی هزینه شده است.

۳- «طرح انتقال» و اجرای سناریوی لیبی در پاکستان

مواردی غیرمستند مطرح شده است که حاکی از مذاکرات برخی مقامات امنیتی آمریکا و پاکستان است. در این مذاکرات به پاکستان پیشنهاد شده است که به منظور جلوگیری از دستیابی طالبان به تجهیزات اتمی پاکستان، اورانیوم غنی‌شده موجود و تجهیزات پیشرفته هسته‌ای این کشور توسط یک کشتی به آمریکا برده شود. تاکنون هیچ‌گونه توافقی در این مورد صورت نگرفته است.

۴- طرح واکنش سریع کاگان

«طرح کاگان» که بر آموزش نیروهای ویژه آمریکا به منظور اشغال مراکز هسته‌ای پاکستان در صورت سقوط دولت مرکزی این کشور، تأکید دارد، توسط فردریک کاگان مورخ تاریخ نظامی در «مؤسسه وست بنک» و از نظریه‌پردازان حمله نظامی آمریکا به عراق، ارائه شده است. مراحل طرح مذکور به شرح ذیل است:^۱

۱- مراکز نگهداری سلاح‌های هسته‌ای پاکستان اشغال شود و سلاح‌های

۱- برای اطلاع از جزئیات بیشتر رک به: مقاله «روزی که اسلام‌آباد سقوط کند»

[http://www.irdiplomacy.ir\(86/9/13\)](http://www.irdiplomacy.ir(86/9/13))

- قابل حمل به نقاط نامعلومی در عمق خاک پاکستان یا نقاطی خارج از این کشور مانند ایالت نیومکزیکو آمریکا منتقل گردد.
- ۲ - ارتش آمریکا به خاک پاکستان وارد شود و به سمت مناطق قبایلی این کشور پیشروی کند تا به کمک ناتو در افغانستان از دو طرف نیروهای القاعده و طالبان را تحت فشار قرار دهند.
- ۳ - ورود بخشی دیگر از نیروهای ارتش آمریکا به اسلام‌آباد تا در صورت سقوط این شهر به دست افراطیون، آن را آزاد سازند و امنیت آن را تضمین کنند.
- ۴ - همکاری نیروهای ارتش آمریکا با ارتش پاکستان جهت کنترل بر تأسیسات و تجهیزات زیربنایی هسته‌ای، شیمیایی و سایر نقاط حساس پنجاب، سند و بلوچستان.

جهاد اتمی القاعده و طالبان

واکاوی سوابق حساسیت بین‌المللی نسبت به مقدمات و تسلیحات اتمی پاکستان که غالباً پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ افزایش یافته است، نشان می‌دهد با برجسته‌تر شدن خطر افراط‌گرایی در این کشور، تهدید هسته‌ای پاکستان نیز به دغدغه اصلی بازیگران بین‌المللی تبدیل شده است. در حال حاضر آمریکا در افغانستان صرفاً توانسته است میدان نبرد را تسخیر کند نه جنگجوی‌های آن را؛ بنابراین، این جنگجویان منتظر فرصت مناسب هستند. هراس آمریکا آن است که القاعده بخواهد از قدرت غرب علیه خود غرب استفاده نماید. در این زمینه چنانچه ایدئولوژی افراط‌گرایی با فناوری استراتژیک پاکستان تلفیق شود، قدرتی کنترل‌ناپذیر را ایجاد خواهد کرد. با بروز خطرات ناشی از ترکیب قدرت اتمی با گروه‌های تروریستی فاقد جغرافیای رسمی و مشخص، مناطق بازدارندگی نیز بی‌اثر شده است. بازیگران غیررسمی چون القاعده که ماهیت شبکه‌ای و

فراسرزمینی دارند و هیچ‌گونه مسئولیت، تعهد و پابندی به معادلات و منطق بازیگر سیاسی نداشته و حتی با آن آشنایی ندارند، به گونه‌ای عمل کرده‌اند که ماهیت راهبردی سلاح‌های هسته‌ای را که موازنه‌ساز بوده است را به عنصر کنترل‌ناپذیر و بی‌ثبات‌ساز تبدیل کرده‌اند. اکنون خطر توزیع سلاح‌های هسته‌ای بین بازیگران غیررسمی و شبکه‌ای افراط‌گرا موجب توزیع وسیع هراس و نگرانی روحی - روانی حاکمان نظام‌های سیاسی شده است. این ترس زمانی افزوده می‌شود که کشورها واقعاً تصویر روشنی از احتمالات و سناریوهای هسته‌ای شدن القاعده و تهدیدات متعاقب آن در اختیار ندارند.

خطر استفاده گروه‌های افراط‌گرا از سلاح‌های هسته‌ای موجب می‌شود، آمریکا در وارد کردن ضربات قاطع و سرنوشت‌ساز در مدت زمانی کوتاه با احتیاط بیشتری اقدام کند. این امر موجب طولانی شدن جنگ‌ها خواهد بود. در جبهه کنونی القاعده و آمریکا افزایش نیروهای فنی و تخصصی توانمندی این سازمان را از فناوری و تسلیحات هسته‌ای افزایش داده است. در روند منازعه دو طرف، القاعده تلاش خواهد کرد از طریق دستیابی به سلاح‌های کوچک اما با تأثیرگذاری بسیار بالا، در پی ایجاد برتری مطلق خود برآید. هر اندازه فشارهای آمریکا بر القاعده و طالبان افزایش یابد آن‌ها بیشتر به این ایده راهبردی باور پیدا می‌کنند که سلاح هسته‌ای، سلاح مطلوب ضعف‌است.

باور بر این است که رادیکالیسم مذهبی القاعده، تلاش می‌کند ضمن استقرار نظام سیاسی - عقیدتی مدنظر خود (خلافت اسلامی) در پی مقابله با سیطره بیگانگان در مناطق اسلامی برآید و با دستیابی و استفاده سلاح‌های اتمی پایان جهان را تسریع نمایند. (بلیس: ۳۱۳)

هم تکمیلی ایدئولوژی و فناوری بر پایه تصورات فوق، باعث شده‌اند تروریسم از اقدامی علیه قدرت سیاسی، تبدیل به اقدامی جهت‌گشا و وسیع شود. «مصطفی ابویزید» از رهبران القاعده در افغانستان ابراز امیدواری کرده است

که «سازمان وی روزی بتواند به سلاح‌های هسته‌ای پاکستان دست یابد و از طریق آن آمریکا را هدف قرار دهد». (IR Diplomacy.ir)

در حال حاضر، بخشی از تهدیدات هسته‌ای پاکستان، از درون سامانه امنیتی این کشور نشأت می‌گیرد. بخشی عمده‌ای از محرک‌های پاکستان در دستیابی به سلاح اتمی، وجود تفکرات ایدئولوژیک در درون ارتش این کشور بوده است. ژنرال‌های اسلام‌گرای پاکستان از جمله «حمید گل» معتقد بودند که یکی از ضعف‌های اساسی جهان اسلام این است که به سلاح هسته‌ای دسترسی ندارد. بنابراین، در پی رفع این نقیصه برآمدند و موفق شدند. حال ترس از این است که بقایای این طیف در درون نهادهای امنیتی و نظامی پاکستان به حلقه ارتباط فناوری اتمی و سازمان‌های افراط‌گرایی چون القاعده تبدیل شوند. به نظر می‌رسد این نیروها همچنان مهارناشدنی و کنترل‌ناپذیرند. بر این اساس شکل‌گیری یک شبکه پنهان می‌تواند موجب بروز مشکلات بزرگی در حفاظت تسلیحات هسته‌ای پاکستان شود.

القاعده اتمی و تهدیدات علیه ایران

شاید موضوع امنیت سلاح‌های هسته‌ای پاکستان، بیشتر ابزاری جهت فشارهای سیاسی آمریکا بر این کشور تلقی می‌گردد و احتمال تحقق سناریویی که منجر به هسته‌ای شدن القاعده شود، بعید تصور می‌شود. اما ماهیت عملیات القاعده جهت نفوذ در مراکز امنیتی پاکستان بیانگر خطر ساز بودن تلاش‌های این سازمان است.

تا زمانی که پاکستان مسلح به سلاح اتمی، مأمن القاعده و طالبان تلقی شود، وحشت و اضطراب ناشی از آن ابتدا منطقه و سپس سایر نقاط دنیا را دربرمی‌گیرد. پاکستان و آمریکا از این وضعیت هراس‌آلود در قالب «صنعت ترس» بهره خواهند گرفت. بدین صورت که پاکستان در پی دریافت کمک‌های

مالی بین‌المللی جهت مبارزه با تهدید القاعده خواهد بود و آمریکا نیز از طریق نهادها و شرکت‌های امنیتی غیر دولتی چون «بلک واتر» نفوذ بیشتر در مراکز امنیتی پاکستان را تعقیب می‌کند. برآیند این معادله، تقویت عناصر و شاخصه‌های غیربومی امنیت در حوزه شرقی ایران خواهد بود. به طوری که سرمایه راهبردی - امنیتی پاکستان تحت نفوذ و اختیار آمریکا و ناتو قرار می‌گیرد و از آن، جهت اعمال فشار بر قدرت‌های منطقه‌ای جنوب آسیا و خاورمیانه از جمله ایران بهره خواهند گرفت.

تا زمانی که حضور القاعده در مجاورت زرادخانه اتمی پاکستان باقی باشد، اعمال نفوذ و مداخله آمریکا و ناتو در این کشور موجه خواهد بود و مقبولیت بین‌المللی خواهد داشت. تمایل آمریکا به ماندگاری دراز مدت در جنوب آسیا که از ملاحظات ژئوپلیتیک قرن حاضر ناشی می‌شود، اقتضا می‌کند که تهدید اتمی پاکستان برجسته بماند. نتیجه طبیعی این وضعیت، تهدید مضاعف علیه ایران است. تهدیداتی که از سلاح اتمی پاکستان از یک سو و حضور بلند مدت آمریکا در مرزهای شرقی ایران از سوی دیگر ناشی می‌شود.

از بعد دیگر، سرنخ‌های فعالیت القاعده در پاکستان، امنیت راهبردی ایران را به شدت تهدید می‌کند. «معمای القاعده و اسرائیل» یکی از این سرنخ‌هاست. القاعده گرچه با ادعای مبارزه با صهیونیسم فعالیت می‌کند، اما تاکنون تمایل اندکی نسبت به حملات انتحاری علیه اسرائیل نشان داده است. شواهدی از آموزش نیروهای القاعده توسط موساد نیز وجود دارد. (موسوی خلخالی، آموزش) در این صورت دستیابی القاعده به سلاح هسته‌ای پاکستان تهدید فوری و مستقیم علیه ایران خواهد بود. به لحاظ راهبردی رژیم صهیونیستی نیز انگیزه بسیاری مبنی بر کنترل تأسیسات هسته‌ای پاکستان توسط القاعده تحت نفوذ موساد خواهد داشت. لذا ایران باید درک کند که احتمالاً رقبای جهانی‌اش تلاش می‌کنند تهدید «سلاح اتمی اسلامی» پاکستان را علیه بخشی از جهان اسلام که

تعارض ایدئولوژیک با طالبان و القاعده داشته و یا تنازع راهبردی با اسرائیل و آمریکا دارد، مطرح کنند.

با توجه به فراگیر شدن تهدیدات جریان افراط‌گرایی علیه زرادخانه اتمی پاکستان، سلاح هسته‌ای این کشور اضطراب بیشتری در کشورهای منطقه می‌پراکند. این نوع تهدیدات زمانی که با تحرکات معنادار آمریکا در این کشور همراه می‌شود، پیام‌های مهمی علیه ایران دارد. جوهره رفتاری آمریکا مبنی بر فشارهای مضاعف بر برنامه هسته‌ای ایران در حالی که در قبال زرادخانه سلاح هسته‌ای در جنوب آسیا سکوت کرده است، ناشی از واقعیت‌های اسرارآمیز سیاسی - تاریخی است که سرانجام به اعمال تهدید نظامی بیشتر علیه ایران منجر می‌شود. تندرورهایی که خطرات و چشم‌انداز غیرقابل تصور کنونی را به وجود آورده‌اند در وهله اول توسط آمریکا موجودیت یافتند. در پایان دهه ۱۹۷۰ و به ازای مشارکت فعال پاکستان در برنامه جهاد علیه شوروی، آمریکا سیاست منع تکثیر سلاح اتمی در مورد پاکستان را نادیده گرفت و این کشور از این فرصت بیشترین بهره را برد.

بر این اساس حقیقتی که کاملاً پنهان شده این است که در سه دهه اخیر زرادخانه هسته‌ای پاکستان مورد حمایت و طمع آمریکا بوده و تاکنون نیز توسط کمک‌های مالی و پشتیبانی فنی حیاتی آمریکا کنترل شده است. در اوایل دهه ۱۹۸۰ رونالد ریگان در پاسخ به سؤالی در مورد دیدگاهش نسبت به جاه‌طلبی‌های هسته‌ای پاکستان گفت، «فکر نمی‌کنم به ما ربطی داشته باشد».

(Cockburn, 2009: 2)

در حال حاضر اوضاع در دولت اوباما نیز تغییر چندانی نکرده است. یک مقام ارشد امنیت ملی در دولت اوباما گفته است: «بیشتر کمک‌هایی که در چند سال گذشته برای آن‌ها فرستاده‌ایم به برنامه هسته‌ای آن‌ها معطوف شده است.» قسمت اعظم این کمک‌های منحرف شده - ۵/۵۶ میلیارد دلار تا سال ۲۰۰۸ - از محل «صندوق حمایت ائتلاف» برای عملیات‌های ارتش پاکستان علیه طالبان پرداخت می‌شد. (Ibid)

به نظر می‌رسد آمریکا چنانچه نتواند توان هسته‌ای پاکستان را تخریب یا تضعیف کند، دست کم در پی کنترل و مدیریت زرادخانه هسته‌ای این کشور است. به عبارت دیگر، آمریکا به پاکستان کمک می‌کند زرادخانه هسته‌ای خود را ارتقا دهد به این امید که از این طریق ابزاری برای کنترل آن به دست بیاورد. هدف رسمی پشتیبانی فنی آمریکا، با هزینه تقریبی ۱۰۰ میلیون دلار در سال، این است که سلاح‌های پاکستان را ایمن‌تر و «امن‌تر» کند، و دور از دسترس تندروها نگه دارد. در هر حال این خط‌مشی‌های دوگانه و متغیر امریکا در قبال برنامه هسته‌ای پاکستان پیامد مثبتی بر منطقه و ایران نخواهد داشت. چراکه بازتاب این مداخلات به صورت بی‌ثباتی بیشتر در پاکستان بروز می‌کند و معنای آن نبرد امریکا و افراط‌گرایان بر سر کنترل سلاح هسته‌ای پاکستان، و که قاعدتاً هر یک از این دو طرف غلبه یابد موجب دستیابی دشمنان سیاسی و ایدئولوژیک ایران (آمریکا، القاعده و طالبان) به این سلاح ویرانگر و بازدارنده می‌شود و تهدیدی جدی علیه امنیت ملی ایران خواهد بود.

رویکرد مرموز آمریکا مبنی بر نفوذ بیشتر در برنامه هسته‌ای پاکستان زمانی نگرانی ایران را به طور جدی برخواهد انگیزد که زرادخانه اتمی پاکستان را به انبار موشک‌های حامل کلاهک هسته‌ای و بمب‌های اتمی آمریکا تبدیل سازد. آمریکا در حال حاضر نه تنها به طور اجتناب‌ناپذیری کلاهک‌ها را از نظر عملیاتی قوی‌تر و معتبرتر می‌سازد، بلکه همچنین فناوری لازم برای طراحی کلاهک‌های پیشرفته‌تر بدون نیاز به آزمایش را به پاکستان منتقل می‌سازد و این نظامی است که به «مباشرت در ذخیره‌سازی» معروف است. (Ibid: 4)

این برنامه فوق‌العاده گران‌قیمت، که پس از تعهد آمریکا برای کنار گذاشتن آزمایش‌های عینی هسته‌ای در سال ۱۹۹۳، به عنوان ابزاری برای «آزمایش» سلاح‌ها از طریق مجازی و شبیه‌سازی کامپیوتری تلقی می‌شد، نه تنها قابلیت اطمینان سلاح‌ها (حداقل در نظریه)، بلکه اعتبار طرح‌های جدید و بهبود یافته را

نیز تضمین می‌کند. بنابراین دخالت آمریکا به شکل کمک به پاکستان در این زمینه، تنها می‌تواند تهدید امنیتی و افزایش فشارها و چانه‌زنی بر سر برنامه هسته‌ای ایران را در پی داشته باشد.

خطرات منتشره از سلاح هسته‌ای پاکستان در سطح منطقه و نوع واکنش آمریکا در قبال آن بویژه اینکه اتمی شدن پاکستان، یک کشور اسلامی را در حوزه پیرامونی رژیم صهیونیستی، مسلح به سلاح هسته‌ای می‌سازد، موجب شده است آمریکا با قطعیت و قاطعیت مانع هرگونه فعالیت هسته‌ای صلح‌آمیز ایران شود که این وضعیت مغایر منافع ملی ایران است. بدون تردید هراس راهبردی آمریکا از شکل‌گیری چرخه مبتنی بر منطق «دومینوی هسته‌ای» که طبق آن هر یک از واحدهای سیاسی جهت کسب بازدارندگی و موازنه استراتژیک و در پاسخ به تهدیدات نظامی - اتمی همسایگان و کشورهای منطقه پیرامونی خود، اقدام به هسته‌ای شدن می‌کنند، موجب اصرار آمریکا بر توقف برنامه هسته‌ای ایران خواهد شد و حتی فراتر از آن هرگونه اقدام ماجراجویانه آمریکا را موجه می‌سازد. ماهیت رفتاری آمریکا در قبال ایران بر این تصور استوار است که هر نوع فعالیت هسته‌ای ایران که به نقض برتری هسته‌ای اسرائیل در خاورمیانه منجر شود، مغایر با اهداف و منافع رژیم صهیونیستی و آمریکا تلقی می‌گردد و به شدت ممانعت خواهد شد.

در مجموع، آمریکا بر اصل تأمین امنیت برای مراکز هسته‌ای پاکستان تأکید دارد اما در واقع این امر را بهانه‌ای برای حضور اطلاعاتی و نظامی بیشتر و جدی‌تر خود در پاکستان قرار داده است. احتمالاً این نفوذ در حوزه شرقی ایران می‌تواند موجب حمایت بیشتر آمریکا از گروه‌های تروریستی در جنوب شرق ایران شود و منافذ امنیتی جهت ضربه احتمالی به تأسیسات هسته‌ای ایران از طریق زمینی شناسایی شود و مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

در مجموع تهدیدات ناشی از توان هسته‌ای پاکستان بر ایران را می‌توان به شرح زیر ارائه کرد:

- ۱ - در اختیار گرفتن کنترل تسلیحات هسته‌ای پاکستان توسط القاعده و طالبان که خصومت بنیادین علیه نظام باورهای شیعی دارند؛
- ۲ - نفوذ شبه نظامیان در مراکز و تأسیسات هسته‌ای پاکستان و خرابکاری در آن و یا تکثیر تجهیزات اتمی در منطقه؛
- ۳ - آسیب‌پذیری و احتمال نقص فنی در قطعات و تجهیزات دستگاه‌ها و مراکز اتمی به علت عدم نظارت سازم‌آن‌های بین‌المللی ذی‌ربط و ضعف دانش تخصصی هسته‌ای پاکستان؛
- ۴ - عدم رعایت ضوابط و معیارهای جهانی در نگهداری و تأمین امنیت مراکز هسته‌ای؛

هرگونه خرابکاری، حمله موشکی، بمب‌گذاری و... به تأسیسات هسته‌ای پاکستان آثار زیست محیطی ویرانگری بر کل منطقه و بویژه ایران خواهد گذاشت. در مجموع تهدید هسته‌ای پاکستان شاید علیه آمریکا، موضوعی ذهنی - روانی و سیاسی تلقی شود اما علیه ایران عینی و جدی است و در صورت دستیابی القاعده و طالبان به این سلاح‌ها، آن‌ها پشتوانه خطرناکی برای اعمال فشار بیشتر به ایران که دارای تضاد منافع با آن‌هاست در اختیار خواهند داشت.

جمع‌بندی

از زمان هسته‌ای شدن پاکستان، واکنش‌ها و مواضع مختلفی در قبال آن بروز یافته است. آمریکا که در طول دهه ۱۹۹۰ هسته‌ای شدن هند و پاکستان را عامل توازن قوا و ثبات‌ساز در جنوب آسیا می‌دانست، واقعیات شبه‌قاره هسته‌ای را پذیرفت. اما تغییر در بازیگران و راهبردهای منطقه‌ای آمریکا در جنوب آسیا، موجب معرفی قدرت اتمی پاکستان به عنوان تهدید علیه منافع جامعه بین‌المللی شد. اکنون خطر غلبه افراط‌گرایان بر مقدرات راهبردی پاکستان بویژه سلاح اتمی آن موجب تغییر کارکرد این سلاح از ابزار توازن قوا به ابزار توازن وحشت و تکثیر هراس در سطح منطقه و دنیا شده است. در این شرایط، خصیصه

بازدارندگی سلاح اتمی پاکستان تبدیل به تهدیدزایی شده است. زیرا این واقعیت که انبارهای ویژه نگهداری این سلاح‌ها و سازوکارهای هشداردهنده آن کماکان نوعی فناوری ابتدایی است، خطر مهمی برای کل منطقه به شمار می‌رود.

همانگونه که در عصر جنگ سرد و بر اساس منطق بازدارندگی، اثرات روانی سلاح هسته‌ای بیش از جنبه کاربردی آن تأثیر داشت، امروزه نیز اثرات سوء روانی ناشی از احتمال به‌کارگیری آن توسط تروریست‌ها، بیش از آن چیزی است که عملاً و واقعاً توسط آن‌ها امکان‌پذیر است. القاعده با مستقر شدن در مناطقی از پاکستان که مسلح به سلاح هسته‌ای است، توانسته است با هراس‌افکنی و تهدید به استفاده از سلاح اتمی، نوعی بازدارندگی نسبی در برابر حملات آمریکا ایجاد کند.

طرح تهدیدات اتمی پاکستان توسط آمریکا و ناتو بیشتر بسترسازی و فراخوانی این قدرت‌ها به حضور دائم در منطقه جنوب آسیاست. به نظر می‌رسد این جغرافیا هارتلند قرن ۲۱ خواهد بود. حضور دراز مدت آمریکا در جنوب آسیا و اقیانوس هند براساس آموزه‌های ژئوپلیتیک است که تأکید می‌کند سلطه بر دنیا از این منطقه خواهد بود. بر خلاف این وضعیت، تهدید اتمی پاکستان علیه ایران بسیار جدی است. بویژه زمانی که در کنترل القاعده تکفیری قرار گیرد. کنترل و مهار تهدیدات اتمی پاکستان مستلزم شکل‌گیری «سازوکار تصمیم‌گیری همگرایی منطقه‌ای» است نه سازوکار کنترلی تک‌قطبی آمریکایی.

تا زمانی که ترتیبات امنیت جنوب آسیا تحت تأثیر راهبردهای آمریکا به سمت واگرایی پیش رود، تهدیدات هسته‌ای و خطر دستیابی افراط‌گراها به آن فراینده خواهد بود. در این زمینه، کنترل افراط‌گرایی ارجح بر کنترل تأسیسات هسته‌ای است. «نظام تصمیم‌گیری همگرایی منطقه‌ای» بدین معنی که بازیگران جنوب آسیا با حفظ هویت هر یک از واحدها، برای ایجاد یک منطقه واقعی جهت توسعه جمعی و تعهد به ایجاد امنیت راهبردی و ارتباط با مناطق مجاور، سازماندهی شوند، تنها گزینه بومی و منطقه‌ای مدیریت بحران در جنوب آسیا محسوب می‌شود.

منابع

- ۱ - بیلیس، جان و دیگران، *استراتژی در جهان معاصر*، ترجمه: کابک خیبری، تهران: ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳
- ۲ - عیدی پور، ماکان، «چرا باید نگران پاکستان باشیم». دسترسی در :
[http://www.irdiplomacy.ir/index.php.\(88/2/21\)](http://www.irdiplomacy.ir/index.php.(88/2/21))
- ۳ - فدروف، الکساندر، *ابرتروریسم؛ چالشی جدید برای قرن جدید*، ترجمه شمس السادات هل اتایی و دیگران، تهران: راشا، ۱۳۸۵.
- ۴ - کورمونت، بارتلمی و دارکو، ربی نیکار، *جنگ‌های نامتقارن، درگیری‌های گذشته و امروز*، ترجمه: علی سجادی و غلامرضا آتش افروز، تهران: نشر آجا، ۱۳۸۵.
- ۵ - ووگن، بروس، «استفاده و سوء استفاده از سازمان‌های اطلاعاتی در هند» در: *مجموعه مقالات اطلاعاتی - امنیتی*، ترجمه: معاونت پژوهش دانشکده اطلاعات: تهران: بینش، ۱۳۷۵، جلد دوم.
- ۶ - متن رسمی استراتژی سیاست خارجی پاکستان، ترجمه: عسگر قهرمان پور، *همشهری دیپلماتیک*، سال دوم، شماره ۱۷، (شهریور ۸۶)
- ۷ - موسوی خلخالی، علی، «موساد برای القاعده نیرو آموزش می‌دهد». دسترسی در:
<http://www.irdiplomacy.ir/index.php>
- 8 - Cockburn, Andrew, How the U.S. Has Secretly Backed Pakistan's Nuclear Program From Day One, in: http://www.counterpunch.org/andrew_06242009.html
- 9 - cordesman ,Anthony H ,*The Threat of Pakistan Nuclear Weapons*.(nov-2001).
<http://www.csis.org/burke/hd/reports/threat-pak-nukes.pdf>
- 10 - Dolley , Steven, *Indian and Pakistani Nuclear Tests: Frequently asked*

Questions, Nuclear Control Institute, June 9, 1998

- 11 - Defense News, *Pakistan Protecting The nation K.R.I Khan research Laboratories*, Government Of Pakistan
- 12 - <http://www.bbc.co.uk/Persion/news/story/2006/07/060725-S-Pakistan-reactor.shtml>
- 13 - <http://www.globalsecurity.org>
- 14 - <http://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/nbm/nuclear-blacke-Market-dossier-p>
- 15 - <http://Fas.org/Sgp/crs/nulce/R/34248.PdF>. Pakistan's Nuclear Weapons. 7/30/2009
- 16 - Paul K. kerr ,Pakistan's Nuclear Weapons.7/30/2009:<http://www.crs.gov>
- 17 - [http://www.irdiplomacy.ir\(88/5/5\)](http://www.irdiplomacy.ir(88/5/5))

